

صلاحیت‌های قانونی ستره محکمه (دادگاه عالی) افغانستان

سید حکمت هاشمی نژاد^{۲۳}

چکیده

مسئله قضا در افغانستان در دوره عبدالرحمن اندک تغییر یافت و به دستور وی محکمه عالی‌تری تأسیس شد، هرچند قبل از آن هم قضا وجود داشت ولی بازهم همه چیز برمی‌گشت به خود شاه، نهاد ستره محکمه در زمان ظاهر شاه در قانون اساسی ۱۳۴۳ به وجود آمد و بعد از آن در قانون اساسی سال ۱۳۵۵ دوران سردار داود خان و سرانجام در قانون اساسی جدید در ماده ۱۱۶ و ۱۱۷ تبلور یافته است. صلاحیت، نوع شایستگی و اقتداری است که از طرف ستره محکمه یا ادارات ذی‌ربط اعمال می‌شود. و در قالب حکومت؛ صلاحیت عبارت از جنبه خاص از حاکمیت است که خود انواعی دارد مانند؛ صلاحیت حوزوی، صلاحیت شخصی، صلاحیت موضوعی و... در ساحه اعمال صلاحیت ستره محکمه در قالب قانون و مطابق با آن ستره محکمه اعمال صلاحیت می‌کند و در صورت نبود دلایل قانونی قضات باید دلایلی را که با آن حکم می‌کند در ورقه حکم به صورت واضح بیاورد، به طور کل ستره محکمه در دو ساحه قضایی واداری اعمال صلاحیت می‌کند. در افغانستان ستره محکمه دارای ساختار مشخص و معین است که مطابق با قانون تعیین گردیده و به وظایف خویش رسیدگی می‌نماید. ستره محکمه می‌تواند طرزالعملهای در ساحه قضایی واداری خویش وضع و تصویب نماید تا فعالیتشان بهبود یابد.

واژگان کلیدی، محکمه، ستره محکمه، صلاحیت، قضاوت.

مقدمه

صلاحیت عبارت است از شایستگی‌های قانونی که اشخاص یا نهادی، مطابق با قوانین کشور از آن برخوردار می‌باشند، تا با داشتن این نوع شایستگی (صلاحیت) بتواند در راستای انجام وظایف خویش بدون کدام دغدغه از طرف کدام نهاد دیگر اقدام نموده و وظایف خویش را مطابق قانون به طور شایسته به انجام برساند.

نهاد ستره محکمه در افغانستان عالی‌ترین مرجع قضایی است که وظایف و صلاحیت‌های محاکم پایین‌تر از آنجا تنظیم و هدایت داده می‌شود حال مسئله که وجود دارد این است که آیا نهاد ستره محکمه دارای صلاحیت‌های

^{۲۳}. دتشنجوی دکتری حقوق خصوصی (s.hikmat1997@gmail.com)

مشخص و مستقل است و یا از سوی نهاد اجرایی حکومت اداره می‌گردد؟ در صورت داشتن صلاحیت از چه نوع آن برخوردار است؟

چه طرزالعمل‌های را می‌تواند تصویب و اجرا نماید؟ و مسائل دیگر که در این تحقیق مورد ارزیابی و تحقیق قرار خواهد گرفت.

مفهوم محکمه:

الف: در لغت: این کلمه در اصل عربی بوده و معادل آن در فارسی دادگاه، اسم، و به معنی جایی که در آن دادرس یا دادرسان در حضور دادستان به شکایت مدعی رسیدگی می‌کنند. صدر افشاری، غلام حسین، حکمی، نسرین، حکمی، نسترن، فرهنگ معاصر فارسی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۶۶

محکمه التحکیم؛ دادگاه، محکمه، دادگستری، دادرس و حکمیت آمده است. میرزایی، نجف علی، فرهنگ اصطلاحات معاصر، ناشر دار الثقلین-قم، سال ۱۳۸۱، ص ۴۹۵

در اصطلاح: در اصطلاح نیز برگرفته از معنی لغوی آن است یعنی؛ به محلی اطلاق می‌گردد که قضات محترم به شکایات مطرح شده از طرف مردم مطابق با قانون در این نوع مراجع رسیدگی نموده و به حل و فصل دعاوی مدعی و مدعی علیه می‌پردازند. در قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه افغانستان نیز چنین آمده است: محکمه در لغت جای حکم کردن قاضی یا محل قضاوت است و در اصطلاح؛ مرجع قانونی رسیدگی قضایا و اصدار حکم است طبق فقره ۱۸ ماده ۴ قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه

مفهوم ستره محکمه:

الف: در لغت: کلمه ستره یک کلمه پشتو بوده و به معنی؛ (عالی) است. لغت‌نامه پشتو، کتاب الکترونیکی.

در افغانستان چون نژاد پشتون از دیرزمان دستگاه حکومت را در دست داشته و زبان رسمی کشور را پشتو انتخاب نمودند بدین لحاظ به محکمه عالی واژه (ستره محکمه) را بکار بردند. و به صورت ترکیبی این دو کلمه (ستره و محکمه) در فارسی مفهوم کلمه دادگاه عالی را افاده می‌کند. معادل واژه ستره محکمه در بعضی از لغت‌نامه‌ها بدین صورت آمده است؛ محکمه العلیا؛ دیوان عالی قضایی، دیوان عالی کشور، دادگاه عالی، محکمه اعلا، دادگاه اعلا. میرزایی، نجف علی، فرهنگ اصطلاحات معاصر، پیشین، ص ۴۹۵

بند ۱۲ ماده ۴ قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه چنین بیان می‌دارد که؛ ستره محکمه مرجع عالی و نهایی قضایی است که قضایا را از لحاظ صحت تطبیق قانون مورد نظارت قرار می‌دهد.

مفهوم قضا یا قضاوت:

الف: در لغت: قضی، قضا؛ الحکم، اصله قضایٌ لانه من قضیت، ولجمع الاقضیه، و قضی علیه یقضی، قضائاً و قضیهً الاخیره مصدرالاولی، والاسم القضیه فقط. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۷۸/

ترجمه؛ اصل قضی یا قضا، قضایٌ بوده به خاطری که از ماده قضیت بوده، جمع اقضیه است.. و قضی بر آن قضی است یقضی، قضا و قضیه و لغت آخر که قضیه باشد مصدر اولی (قضی) است، و اسم، قضیه ی تنها است.

القضاء؛ حکم، رأی، به جای آوردن، ادا کردن، داوری محاکم. انیس، ابراهیم، منتصر، عبدالحلیم، الصوالحی، عطیه، احمد، محمد خلف، مترجم؛ بندریکی، محمد، فرهنگ معجم الوسیط، ص ۱۵۹۳/

در اصطلاح: « دادرسی میان مردم برای برکنار ساختن اختلاف آنان.» برخی دیگر گفته است: « دادرسی از میان بردن ستیز و دعوا میان دو یا چند کس است مطابق دستور و حکم خداوند.» برخی دیگر گفته است: « قضا عبارت است از حکم کردن و حکم کردن یعنی اینکه قاضی یا حاکم خصومت یا اختلاف را قطع و فیصله کند.» دانش. سرور. حقوق اساسی، ص ۶۸۷-۶۸۸/

مفهوم صلاحیت

الف: صلاحیت در لغت: صلاحیه؛ صلاحیت، اختیار، حیطه اختیارات، چهارچوب اختیارات، حوزه اختیارات، قلمرو اختیارات. میرزایی، نجف علی، فرهنگ اصطلاحات معاصر پیشین، ص ۳۷۱/

در اصطلاح: صلاحیت در آیین دادرسی عبارت اند از؛ اختیاری که قانون به دادگاهی می دهد که به موجب آن به دعاوی رسیدگی کند. به عبارت دیگر شایستگی قانونی دادگاه برای رسیدگی به دعاوی خاص در اصطلاح حقوقی صلاحیت نامیده می شود. دهخدا، علی اکبر لغت نامه دهخدا کتاب الکترونیکی.

انواع صلاحیت

صلاحیت دارای انواعی است که به اختصار به چند مورد از آن اشاره می گردد:

الف: صلاحیت ذاتی:

در حقوق فرانسه صلاحیت ذاتی این گونه تعریف شده است؛ شایستگی رسیدگی به یک ترافع که به وسیله قانونی که مربوط به دادگاه (رسیدگی کننده) است، (دادگاه حقوقی یا جزایی) و یا به موجب درجه دادگاه (دادگاه

تجارتی، امور اجتماعی) و یا دادگاه امور (خانواده، طلاق، نسب و ...) تعیین می‌گردد. دکتر هرمزی، خیرالله، مقاله توسعه صلاحیت یا صلاحیت تبعی. ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، سال نشر ۱۳۹۳، ص ۱۶۳

با توجه به تعریف فوق که از صلاحیت ذاتی شده است می‌توان گفت که؛ صلاحیت ذاتی دادگاه‌ها به همان شایستگی قانونی برای رسیدگی به قضایاست که در هر مرحله از محاکم هر محکمه طبق سلسله‌مراتبی‌شان از آن شایستگی ذاتی برخوردار می‌باشند.

ب: صلاحیت محلی

صلاحیت محلی این‌گونه تعریف شده است؛ شایستگی رسیدگی به ترافع که بر اساس معیارهای جغرافیایی تعیین می‌گردد اقامتگاه یا محل سکونت طرف دعوی محل وقوع مال غیرمنقول، محل وقوع جرم و غیره. (اسماعیل عمر، ۲۰۰۹ ص ۱۳۹). در حقوق کشورهای غربی صلاحیت محلی (اختصاص المکانی) نامیده می‌شود و در تبیین این‌گونه صلاحیت گفته شده گسترده‌گی قسمت‌های مختلف آن دارای اثر در تعداد دادگاه‌های از نوع و درجه یکسان و تقسیم آن در قسمت‌های مختلف کشور است تا قاضی در حد امکان نزدیک محل زندگی طرفین دعوی یا محل نزاع آن‌ها باشد تا بتواند آسان‌تر دادرسی نماید. (عمر نبیل ۲۰۰۹ ص ۱۳۹).

ج: صلاحیت نسبی

با توجه به نقشی که آرای دادگاه‌ها در ایجاد امنیت اقتصادی دارند و همچنین نظر به اهمیت مسائل اقتصادی در زندگی اجتماعی افراد یک کشور، تقریباً در اکثر کشورهای دنیا، دعاوی را از نظر ارزش اقتصادی حق مورد نزاع (خواسته) بین دادگاه‌ها تقسیم نموده است. در نتیجه یکی از معیارهای صلاحیت دادگاه‌ها، ارزش خواسته است.

بنابراین دعاوی با توجه به ارزش خواسته بین دادگاه‌ها تقسیم می‌شود، هم‌اکنون نیز در بسیاری از کشورها محاکم به دادگاه‌های بخش، شهر و استان تقسیم و هر کدام به دعاوی خاصی با توجه به ارزش خواسته رسیدگی می‌نمایند، مثلاً؛ ممکن است یک شرکت بسیار بزرگ از نظر جغرافیایی در یک بخش قرار گرفته باشد. علی‌القاعده هرگونه دعوی علیه این شرکت باید در دادگاه آن بخش نباشد و دادگاه شهر یا استان صلاحیت رسیدگی به آن را داشته باشد. اینترنت، سایت ستره محکمه افغانستان. بخش انتشارات قوه قضائیه.

د: صلاحیت جزایی

صلاحیت جزایی را می‌توان به توانایی و شایستگی قانونی و نیز تکلیف مرجع عدلی-قضایی به رسیدگی به یک دعوی جزایی تعبیر کرد. بنابراین نخستین مسئله که مرجع مذکور باید به آن پردازد بررسی صلاحیت خویش جهت شروع به رسیدگی است و در صورتی که خود را صلاحیت‌دار به رسیدگی ندانند موظف به اصدار قرار عدم صلاحیت می‌باشند.

بند ۱ ماده ۱۸۳ قانون اجرائات جزایی راجع به لزوم اصدار قرار عدم صلاحیت از سوی محکمه غیر صلاحیت‌دار می‌گوید: «هرگاه نزد محکمه واضح گردد که رسیدگی به قضیه طبق احکام قانون شامل صلاحیت آن نمی‌باشد قرار خود مبنی بر عدم صلاحیت رسیدگی در موضوع و تشخیص محکمه ذی‌صلاح صادر و دوسیه را به سارنوالی مربوط اعاده می‌نماید.»

در مورد تاریخچه قضا در افغانستان باید گفت که اصل تشکیل و تحولات قوه قضائیه در افغانستان از دوران امیر عبدالرحمان خان شروع شد که سیر و تحول مهمی را تا دوران قانونی اساسی فعلی تجربه نموده است که برای اختصار کلام فقط به سیستم قضایی فعلی اشاره می‌گردد؛

در سال ۱۳۸۲ با تصویب و انفاذ قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی افغانستان، قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه، زمینه مناسب برای یک سیستم قضایی جدید و متناسب با شرایط فعلی کشور و جهان فراهم شده است. سرور، دانش، حقوق اساسی، ص ۷۰۳

شرایط اعمال صلاحیت

برای اینکه قاضی بتواند باجرائت و قاطعیت به ادای وظیفه قضایی خود پردازد:

اول؛ باید قانون اساسی برای قضات در محدوده‌ی امور قضایی، صلاحیت عام و تام داده شود. دوم؛ روش اعمال صلاحیت و حدود و شرایط آن نیز، باید در قانون به‌طور شفاف و روشن بیان شود.

الف: قانون اساسی

قانون اساسی افغانستان در این مورد، واضح و رسا تنظیم شده است.

در مورد صلاحیت‌های ستره محکمه و قضات چنین تصریح شده است؛

تمام دعوی از طرف اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول صلاحیت قوه قضائیه است. (ماده ۱۲۰ قانون اساسی)

اشخاص مدعی و مدعی علیه، هم دولت و ارگان‌های دولتی را شامل می‌شود، هم افراد عادی را (ماده ۱۲۰ قانون اساسی)

شورای ملی یا حکومت هم حق ندارد قانونی وضع کند که قضیه‌ای را از دایره صلاحیت قوه قضائیه خارج ساخته و رسیدگی به آن را به مقام دیگری تفویض کند جز در مورد محاکم عسکری و محاکم خاص مربوط محاکمه رئیس‌جمهور، وزرا و اعضای ستره محکمه که تشکیل و صلاحیت آن‌ها توسط قانون جداگانه تنظیم می‌گردد. (ماده ۱۲۲ قانون اساسی).

تمام فیصله‌های قطعی محاکم واجب‌التعمیل است و در ماده ۷۵ قانون اساسی به حکومت وظیفه داده شده که به‌عنوان قوه مجریه، فیصله‌های قطعی محاکم را باید عملی گرداند. البته تنها حکم اعدام استثناء شده که اجرای آن مشروط به منظوری رئیس‌جمهور است (ماده ۱۲۹ قانون اساسی).

این تأکیدات در قانون، به قاضی جرئت می‌دهد که بدون ترس از کسی، به وظیفه قانونی خود عمل کند، آزادانه و مستقلانه تصمیم بگیرد و تنها حکم قانون را ملاک قرار دهد.

اما در مورد حدود و شرایط اعمال صلاحیت نیز، قاضی را ملزم می‌کند، که تنها قانون را مدار عمل قرار دهد و تحت تأثیر چیز دیگری قرار نگیرد، در قانون اساسی آمده است:

جلسه محاکمه باید علنی باشد و اگر در مورد خاصی جلسه سری باشد اعلام حکم باید علنی باشد (ماده ۱۲۸ قانون اساسی)، تا مردم، همه، بدانند که در دستگاه قضایی چه می‌گذرد و این نوع کنترل اجتماعی است که قاضی را از انحراف باز می‌دارد و برای مردم اعتماد و اطمینان خلق می‌کند.

قاضی باید اسباب و دلایل حکم را در فیصله خود ذکر کند تا همه بدانند که درک قاضی از قضیه و دلایل حکم چه بوده است (ماده ۱۲۹ قانون اساسی)

محکمه باید تنها احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق کند، جز در مواردی که حکم قانون وجود نداشته باشد. در این موارد باید مطابق با فقه حنفی یا جعفری عمل شود. (ماده ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی).

رعایت این اصول تا حدودی زیادی قاضی را ملزم به رعایت استقلال می‌کند تا حکم قانون را در نظر بگیرد و ملاحظه هیچ مقام و یا شخصی را نداشته باشد، و گرنه خطا یا تعمد او در زیر پا گذاشتن حق و قانون، برای همه آشکار خواهد شد.

ب: قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه

نظر به اینکه محکمه عالی در رأس قوه قضائیه قرار دارد، مسئولیت امور قضایی و اداری این قوه توأماً به دوش این محکمه است. به همین ملاحظه برای محکمه عالی دو نوع وظیفه ذکر شده است: قضایی و اداری اما در یک ارزیابی اجمالی، معلوم می‌گردد که این مسئولیت‌ها برخی قضایی، برخی اداری و برخی دیگر، سیاست‌گذاری، مقررات‌گذاری و اجرایی هستند.

وظایف و صلاحیت قضایی

مطابق قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم، موارد آتی به عنوان وظایف قضایی محکمه عالی ذکر شده است که از طریق شورای عالی به آن‌ها می‌پردازند و یا اعمال می‌کنند.

شورای عالی سترزه محکمه در ساحه قضایی دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل است. ماده ۳۱ قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه.

- ۱- تجدیدنظر بر فیصله‌های قطعی محاکم (= اعاده دادرسی) ۲- حل تنازع صلاحیت محاکم. ۳- تفویض (=انتقال) صلاحیت رسیدگی به قضیه از یک محکمه به محکمه دیگر در اثر تقاضای دادستان کل یا طرف دعوا با ارائه دلایل موجه و ضرورت غیر قابل رفع. ۴- تصمیم‌گیری در مورد استرداد فرد خارجی مظنون یا متهم به دولت متبوع. ۵- تصمیم‌گیری در موردی تسلیم شهروند مظنون یا متهم به دولت خارجی. ۶- بررسی استهدائات و ارائه توضیحات به منظور تطبیق بهتر قانون و تأمین وحدت رویه قضایی. ۷- بررسی و تصویب مقررات، لوایح، تعلیمات نامه و رهنمود. ۸- رسیدگی به انفصال موقت قضات و پیشنهاد عزل وی به رئیس‌جمهور در صورت تثبیت اتهام. ۹- محاکمه قضات متهم به ارتکاب جرم. قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب سال ۱۳۹۱.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بیان قانون در باب وظایف محکمه عالی در مجموع، انسجام لازم را ندارد؛ چنانکه برخی از این موارد، مثل تصویب مقررات و لوایح، وظیفه قضایی نیستند اما در شمار این وظایف ذکر شده است؛ برخی وظایف مهم محکمه عالی (سترزه محکمه) همانند بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی یا تفسیر قانون، در شمار وظایف شورای عالی آن محکمه ذکر شده و برخی وظایف همانند تجدیدنظر به گونه تکراری بیان شده است. هم‌چنان برخی وظایف آن همانند تهیه طرح قانون در عرصه قضایی، که در قانون اساسی از وظایف محکمه عالی ذکر شده است، مورد غفلت قرار گرفته و اصلاً یادی از آن نشده است. دکتر محمدی. عبدالعلی. حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان. ناشر دانشگاه خاتم النبیین (ص). سال

طوری که دیده می‌شود دکتر محمدی نقد به‌جا، از این وظایف نموده است. تصویب مقررات و لوایح اگر مربوط به وظایف خود قوه قضائیه باشد شاید بتوان گفت که جزء وظایفشان هست، لذا تصویب لوایح چندان بی‌معنا نمی‌باشد اما اگر خارج این حیطه باشد قوه قضائیه نمی‌تواند برای سایر ادارات مقررات و لوایح تنظیم کند چون مقررات و لوایح مربوط می‌شود به همان تشکیلات و صلاح‌دید هر اداره که مطابق با شرایط و اوضاع درون اداری خویش یکسری مقررات را وضع و تصویب کنند تا در خود اداره نظم و راهبرد کار، بهتر تأمین گردد. همچنین مواردی چون تفسیر قوانین که خیلی هم مهم است، تهیه قانون در عرصه قضایی و غیره.

وظایف اداری

مطابق قانون اساسی، محکمه عالی موظف است «به‌منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی قوه قضائیه» را تأسیس نماید. (ماده ۱۳۲ ق.ا). به همین ملحوظ، در قانون تشکیل و صلاحیت محاکم تصریح شده است که آمریت عمومی اداری ایجاد و محکمه عالی، وظایف اداری را از طریق آن اجرا می‌نماید (مواد ۳۳ و ۵۰ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم). اما در عین حال، موارد آتی به‌عنوان وظایف اداری شورای عالی ستره محکمه ذکر شده است.

شورای عالی ستره محکمه در ساحه اداری و مالی دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل است (ماده ۳۲ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم).

۱. بررسی تشکیل و بودجه قوه قضائیه. ۲. تصویب و پیشنهاد انسلاک قضایی و رسیدگی به امور ذاتی قضات. ۳. تأسیس محاکم و تعیین صلاحیت آن‌ها. ۴. تصویب پیشنهاد تعیین قضات و مستشاران قضایی. ۵. تأمین تسهیلات لازم به‌منظور پیشبرد فعالیت محاکم. ۶. اتخاذ تدابیر لازم برای ارتقای دانش حقوقی و تدارک برنامه‌های آموزشی برای قضات و محررین. ۷. بررسی گزارش سالانه محاکم. ۸. بررسی نتایج تفتیش و تدقیق و مطالعات قضایی و اتخاذ تدابیر برای رفع نواقص. ۹. پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات قضات محکوم. ۱۰. سایر وظایف قانونی.

قانون تشکیل و صلاحیت محاکم در ماده ۳۳ این وظایف یادشده را بیان می‌دارد که از طریق آمریت عمومی اداری قوه قضائیه اعمال می‌گردد. در این ماده چنین تصریح می‌کند:

«ستره محکمه وظایف و صلاحیت‌های اداری مربوط را از طریق آمریت عمومی اداری قوه قضائیه اعمال می‌نماید».

«آمریت عمومی اداری قوه قضائیه از اجرائات خویش نزد شورای عالی ستره محکمه مسئول است».

تشکیلات سترزه محکمه (دادگاه عالی)

یکی از نهادهای مهم و تأثیرگذار در افغانستان که از جایگاه بالای قانونی و حقوقی برخوردار است نهاد سترزه محکمه است، این نهاد مانند همه نهادهای دیگر دارای تشکیلات و صلاحیت‌های است که در فصل دوم ق.ت.ص.ق.ق. به تشکیل، ترکیب و صلاحیت این نهاد پرداخته شده است. در فقره ۱ ماده ۲۳ این قانون، سترزه محکمه به عنوان عالی‌ترین ارگان قضایی که در رأس قوه قضائیه قرار دارد، و معرفی می‌شود که مرکب از ۹ عضو است. همچنین در فقره ۳ ماده ۲۳، تصمیم‌های سترزه محکمه در همه موارد رهبری قوه قضائیه و اعمال صلاحیت قانونی، شورای عالی سترزه محکمه مرکب از هیئت کامل سترزه محکمه، عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیری قوه قضائیه کشور به شمار می‌رود. مطابق ماده ۲۵، شورای عالی سترزه محکمه، شخصی را که دارای تحصیلات عالی و تجربه‌های قضایی و مسلکی باشد، به عنوان رئیس دارالانشاء تعیین می‌کند. رئیس دارالانشاء، امور مربوط به شورای عالی سترزه محکمه را مطابق احکام مندرج این قانون، دیگر قوانین و مقرره‌های مربوط پیش می‌برد. دکتر میرزایی، علی محمد، اصول محاکمات مدنی، انتشارات، دانشگاه ابن سینا، چاپ اول ۱۳۹۳، ص ۴۱

الف: صلاحیت‌های سترزه محکمه

بر اساس ماده ۲۸ ق.ت.ص.ق.ق، شورای عالی سترزه محکمه در ساحه تنظیم، پیشنهاد و تفسیر قوانین چنین صلاحیت‌هایی دارد:

بررسی مطابقت قوانین، فرمان‌های تقنینی، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم؛

تفسیر قوانین و فرمان‌ها تقنینی به اساس تقاضای حکومت یا محاکم؛

استنکاف از تطبیق قوانینی که مغایر احکام قانون اساسی باشد.^{۲۴}

بدین لحاظ سترزه محکمه با صلاحیت‌های در دست داشته خویش، هرگونه فرمان تقنینی از طرف رئیس‌جمهور و یا پذیرفتن معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی که توسط نماینده حکومت در جامعه جهانی صورت می‌گیرد، را با قانون اساسی کشور تطابق داده و در صورت مغایرت داشتن هریک آن‌ها به دلیل تضاد با قانون اساسی ملغی اعلام می‌دارد. و هم چنان مواد از قوانین و فرمان‌ها تقنینی که از ابهام برخوردار باشد و مقصود آن درست تفهیم نشود از صلاحیت‌های سترزه محکمه است که تفسیر نموده و تصریح نماید.

^{۲۴} قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه افغانستان، مصوب سال ۱۳۹۱

ستره محکمه بر اساس ماده ۳۱ ق.ت.ص.ق.ق، در ساحه قضایی نیز دارای وظایف و صلاحیت‌هایی است به این شرح:

تجدیدنظر در فیصله‌های محاکم به سبب ظهور دلایل جدید بر اساس اعتراض طرف دعوی، طبق احوال پیش‌بینی شده در این قانون و سایر قوانین؛

حل تنازع صلاحیت محاکم مطابق به احکام قانون؛

تفویض صلاحیت رسیدگی از یک محکمه به محکمه دیگر بر اساس تقاضای لوی سارنوال یا طرف دعوا در حال موجودیت دلایل موجه و ضرورت غیرقابل رفع مطابق به احکام قانون؛

اتخاذ تصمیم در مورد اعاده تبعه خارجی که مظنون یا متهم به جرم بوده به دولت خارجی مطابق احکام قانون؛
اتخاذ تصمیم در مورد تسلیم دهی تبعه کشور که مظنون یا متهم به جرم بوده، و به دولت خارجی در حدود حکم ماده ۲۸ ق.ا.ا.

بررسی استهداثات (هدایت کردن، رهنمونی خواستن) و ارائه توضیحات برای محاکم به منظور تطبیق سالم قانون و تأمین وحدت رویه قضایی.

بررسی و تصویب مقررات، لوایح، تعلیمات نامه‌ها و رهنمودها؛

رسیدگی به انفصال موقت قضات از وظیفه در صورت ارتکاب جنحه یا جنایت تا زمان منظوری عزل قضات از طرف رئیس‌جمهوری طبق احکام این قانون؛

محاکمه قضات در جرایم ناشی از وظیفه.

بر اساسی مواد مذکور ستره محکمه در ساحه قضایی خویش نیز اعمال صلاحیت می‌کند؛ بررسی احکام صادرشده از سوی محاکم به خاطر عدم ضیاع حقوق مردم، حل تنازع میان محاکم در صورتی که میان دو محکمه منازعه پیش آمد نماید از صلاحیت ستره محکمه است که مرجع رسیدگی‌کننده را مشخص نماید، دادن صلاحیت رسیدگی به یک قضیه از یک محکمه به محکمه دیگر، نظارت از مقررات و لوایح که تصویب می‌گردد، عزل و انفصال موقت قضات در صورت تخلف وظیفوی، استرداد مجرمین به کشوری و تسلیم دهی تبعه خارجی و ... از صلاحیت ستره محکمه است.

وظایف و صلاحیت‌های اداری و مالی شورای عالی سترزه محکمه نیز مطابق ماده ۳۲ ق.ت.ص.ق.ق، عبارت‌اند از:

۱.. بررسی تشکیل و بودجه قوه قضائیه. ۲. تصویب و پیشنهاد انسلاک قضایی، تقرر، تبدیل، ترفیع، قبولی استعفا، تمدید خدمت، تقاعد، رفع تقاعد و سایر امور ذاتی قضات طبق احکام قانون؛ ۳. تصویب پیشنهاد تأسیس محاکم و تعیین صلاحیت قضایی واداری آن‌ها مطابق به احکام این قانون به مقام ریاست جمهوری؛ ۴. تصویب پیشنهاد تعیین قضات و مستشاران قضایی به مقام ریاست جمهوری مطابق احکام قانون؛ ۵. تأمین تسهیلات لازم به منظور پیشبرد فعالیت محاکم؛ ۶. اتخاذ تدابیر لازم جهت فراهم شدن امکانات آموزش قضایی به منظور ارتقاء سطح دانش حقوقی قضات و سایر منسوبین؛ ۷. اتخاذ تدابیر لازم به منظور تدارک و تدویر برنامه‌های آموزشی برای قضات و محرکین و تنظیم امور مربوط به آن؛ ۸. بررسی راپور احصائیه سالانه و گزارش فعالیت‌های محاکم؛ ۹. بررسی نتایج تفتیش، تدقیق و مطالعات امور قضایی و اتخاذ تدابیر به منظور رفع نواقص، توحید و انسجام اجرائات محاکم؛ ۱۰. پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات قضات محکوم علیه به مقام ریاست جمهوری؛ ۱۱. بررسی سایر وظایف و اعمال صلاحیت‌های که در این قانون، قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی تصریح شده است.

در ساحه اداری سترزه محکمه صلاحیت دارد تا بودجه مورد ضرورت نهاد قوه قضائیه، نصب، تبدیل، ترفیع، تقاعد و ...، تأسیس محاکم در صورت ضرورت، تعیین قضات، فراهم سازی امکانات آموزشی برای قضات و محرکین قوه قضائیه، نظارت و بررسی از نتایج تفتیش در امور قضایی، پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات‌ها در مورد مجرمین و ... از صلاحیت اداری سترزه محکمه است تا با اعمال آن فعالیت‌های اداری و بهبود کار را در این نهاد فراهم سازد.

ب: صلاحیت‌های رئیس سترزه محکمه (قاضی القضاة)

مطابق ماده ۴۰ ق.ت.ص.ق.ق، رئیس سترزه محکمه مُمَثِّل قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان است که در رأس شورای عالی قرار دارد و وظایف و صلاحیت‌هایش به این قرار است:

۱- تمثیل از سترزه محکمه در مجامع ملی و بین‌المللی؛ ۲- رهبری عمومی فعالیت‌های قضایی واداری سترزه محکمه؛ ۳- ریاست جلسات شورای عالی سترزه محکمه؛ ۴- ریاست جلسات قضایی دیوانهای مربوط سترزه محکمه عندالاقضاء؛ ۵- اصدار امر مبنی بر تفتیش فعالیت‌های محاکم یا یکی از قضات عندالاقضاء؛ ۶- نظارت بر تطبیق فیصله‌های قطعی و نهایی محاکم؛ ۷- تطبیق بودجه قوه قضائیه، نظارت و مراقبت از تطبیق سالم آن از طرف ادارات مربوط؛ ۸- نظارت بر فعالیت‌های آمریت عمومی اداری قوه قضائیه و سائر ادارات مسلکی،

اجرایی واداری ستره محکمه؛ ۹- ارائه گزارش اجرائات قضایی واداری قوه قضائیه به رئیس جمهوری؛ ۱۰- تفویض صلاحیت رسیدگی قضیه از یک دیوان به دیوان دیگر عندالایجاب؛ ۱۱- انجام سایر وظایف و صلاحیت‌های مندرج قانون اساسی، این قانون و سایر اسناد تقنینی.

مطابق مواد فوق‌الذکر رئیس ستره محکمه از نهاد قوه قضائیه کشور در مجامع بین‌المللی تمثیل می‌کند؛ بدین معنا که جایگاه و ارزش این نهاد را بیان می‌دارد، در جلسات قضایی صلاحیت گرفتن ریاست جلسات، نظارت دقیق بر ادارات قضایی، نظارت بر فعالیت‌های آمریت عمومی قوه قضائیه که دستگاه اجرایی این نهاد است، بررسی بر فیصله‌های قطعی الصدور تا مبادا حق کسی ضایع گردد، گزارش از طرز کار و فعالیت نهاد قوه قضائیه به ریاست جمهوری، تفویض صلاحیت رسیدگی بر یک قضیه از یک دیوان به دیوان دیگر و سایر امور قضایی مطابق با احکام قانون.

همچنین مطابق ماده ۴۱، رئیس ستره محکمه در صورت مریضی، رخصتی یا غیابت از وظیفه، صلاحیت‌های خود را به یکی از اعضای ستره محکمه تفویض می‌کند.

ج: دیوانهای ستره محکمه

بر اساس فقره ۱ ماده ۴۲ ق.ت.ص.ق.ق، ستره محکمه متشکل از این دیوانها است:

دیوان جزای عمومی؛ دیوان امنیت عامه؛ دیوان مدنی و حقوق عامه؛ دیوان تجارتی؛ دیوان جرایم عسکری، جرایم نظامی و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی.

فقره ۲ این ماده می‌افزاید که رساست هریک از دیوانهای ستره محکمه را یکی از اعضای ستره محکمه به عهده دارد که بر اساس تصویب شورای عالی ستره محکمه تعیین می‌شود.

همچنین رؤسای دیوانهای ستره محکمه مطابق ماده ۴۳ دارای این وظایف و صلاحیت‌ها هستند:

رهبری فعالیت‌های دیوان مربوط؛

تدویر جلسات دیوان مربوط و ریاست آن؛

تنظیم امور دیوان مربوط و ارائه گزارش به شورای عالی؛

در غیاب رئیس دیوان، رئیس ستره محکمه، یک نفر از اعضای ستره محکمه را به‌عنوان سرپرست دیوان تعیین می‌کند.

بنابراین رئیس هر دیوان وظیفه دارند تا از طرز فعالیت دیوان مربوطه نظارت داشته و جلساتی را در آن مؤید تدویر و ریاست آن‌ها بر عهده داشته باشد و امور مربوط به دیوان را تنظیم و به شورای عالی گزارش دهد.

د: مستشاران قضایی

مشاوره در هر کاری بسیار یک امر ضروری و لازم است همان‌گونه خداوند می‌فرماید: ... و شاور هم فی الامر... آل عمران، ۱۵۹ و یا... و امرهم شوری بینهم... شوری، ۳۸.

فلذا امروزه در رشته‌های تخصصی و کاربردی مشاورین و کارشناسان برای مشورت دادن وجود دارد در زمینه تحصیل و چگونگی انتخاب رشته، امور قضایی که از رشته‌های مهم دینی و حقوقی است نیز نیازمند مشاورین عالی‌رتبه است، و در ستره محکمه افغانستان حضور مستشاران قضایی نیز پیش‌بینی شده است که برحسب ضرورت، در هر دیوان توظیف می‌شوند. بر اساس فقره ۲ ماده ۴۴ ق.ت.ص.ق.ق، مستشاران ستره محکمه را از میان اشخاصی برمی‌گزینند که دارای اهلیت، کفایت و درایت کامل بوده و دست‌کم، پانزده سال تجربه کاری و خدمت بالفعل قضایی داشته باشند. هم‌چنین فقره ۳ ماده ۴۳ می‌افزاید: تعداد مستشاران از طرف ستره محکمه، تثبیت و هنگام تنظیم تشکیل و ترتیب بودجه قوه قضائیه در نظر گرفته می‌شود.

وظایف مستشاران ستره محکمه نیز بر اساس ماده ۴۵ ق.ت.ص.ق.ق، این است که قضایای محول شده را تحلیل و ارزیابی و سپس گزارش آن را در جلسات قضایی ارائه کنند. مستشاران در برابر درستی گزارش تحلیل و ارزیابی قضیه مسئولیت مستقیم دارند. دکتر میرزایی، اصول محاکمات مدنی، پیشین ص / ۴۴

ه: آمریت عمومی اداری قوه قضائیه

بر اساس ماده ۳۳ ق.ت.ص.ق.ق، ستره محکمه وظایف و صلاحیت‌های اداری مربوط را از طریق آمریت عمومی اداری قوه قضائیه اجرا و اعمال می‌کند. آمریت عمومی اداری قوه قضائیه مسئول اجرائات خویش نزد شورای عالی ستره محکمه است.

در رأس آمریت عمومی اداری قوه قضائیه، آمر عمومی قرار دارد که بر اساس فقره ۲ ماده ۵۰ ق.ت.ص.ق.ق، باید دارای این اوصاف باشد:

تابعیت افغانستان را داشته باشد. دارای تحصیلات عالی بوده و در امور اداری قضا تجربه کافی داشته باشد. دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد.

از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری و جنایت یا به حرمان از ارث از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد؛

چون شخصی که فاقد این امور باشد نمی تواند امور اجرایی این نهاد را به پیش ببرد به خاطر آنکه شخص آمر باید در این امور تخصص داشته باشد در غیر آن صورت همه چیز به هم می خورد، هم چنان یک تبعه خارجی که هیچ نمی داند از امور قضایی و نحوه رسیدگی دعوی در محاکم کشور غیر به خاطر اینکه طرز رسیدگی دعوی در هر کشور مطابق به قانون آن کشور فرق می کند و نیز نحوه اجرای امور قضایی به فرد شایسته و با درایت ضرورت دارد و از طرفی هم تبعه خارجی یک شخص بیگانه است. نهاد قوه قضائیه که از کلیدی ترین نهاد یک کشور به حساب می آید نباید به شخص بیگانه سپرده شود.

طبق فقره ۳ ماده ۵۰، آمر عمومی اداری قوه قضائیه به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهوری تعیین می شود. هم چنین ماده ۵۱، ادارات مسلکی واداری ستره محکمه در چارچوب آمریت عمومی اداری قوه قضائیه فعالیت می کنند.

و: معرفی ستره محکمه در نظام قضائی افغانستان

ترکیب قوه قضائیه بعد از تشکیل ستره محکمه جدید به موجب قانون تشکیل و صلاحیت محاکم مصوب سال ۱۳۸۴ قرار ذیل است:

الف - ستره محکمه.

ب - محاکم استیناف.

ج - محاکم ابتدائیه.

برحسب ماده (۱۱۷) قانون اساسی، ستره محکمه به حیث عالی ترین ارگان قضائی در رأس قوه قضائیه کشور قرار دارد ستره محکمه توسط رئیس، اعضاء، شورای عالی، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه و یک عده ادارات مسلکی واداری امور مربوط را طبق قانون سازمان دهی می نماید.

شورای عالی عالی ترین ارگان ستره محکمه را تشکیل می دهد که ممثل قوه قضائیه است.

شورای عالی دارای صلاحیت های ذیل است:

الف: در ساحه قضائی:

رسیدگی و انفصال قضایای جنائی و تأدیبی قضات. تفسیر قوانین. تجدیدنظر بر فیصله‌های نهائی محاکم. پیشنهاد طرح قوانین در ساحه قضا. بررسی دلایل و اتخاذ تصمیم در مورد اعاده مجرمین. بررسی استهدآت؛ (طلب هدایت) محاکم و ارائه پاسخ در مورد آن. تأمین وحدت رویه قضائی. دکتر کاموی، عبدالملک و ژویل، محمد عثمان، فعالیت‌ها و دست آورده‌ای سترزه محکمه ج.ا.ا، ناشر، سترزه محکمه، سال ۱۳۸۹. ص / ۲۱-۲۲

۲۲

ب: در ساحه اداری:

تصویب مقررات و لوایح مربوط به ساحه قضا. ترتیب بودجه به مشوره حکومت و تطبیق آن. تفویض صلاحیت رسیدگی از یک محکمه به محکمه دیگر (تبدیل محکمه). رهبری و مراقبت از فعالیت‌های ادارات محاکم. تنظیم امور ذاتی قضات. بررسی نتایج تدقیق و مطالعات امور قضائی و اتخاذ تدابیر در مورد آن. اتخاذ تدابیر در مورد ارتقای سطح دانش قضات. تنظیم امور احصائیه قضائی. سایر امور قوه قضائیه. دکتر کاموی، عبدالملک و ژویل، محمد عثمان، فعالیت‌ها و دست آورده‌ای سترزه محکمه ج.ا.ا، ناشر، سترزه محکمه، سال ۱۳۸۹. ص / ۲۲

تفصیل تشکیلات قضائی در افغانستان عبارت‌اند از:

الف: در سترزه محکمه:

دیوانهای مدنی، تجارتی، جزاء عمومی، امنیت عامه و جرایم نظامی و جرایم علیه امنیت و منفعت عامه. در هر دیوان دو عضو سترزه محکمه، تعدادی از مستشاران قضائی، راپورترهای قضائی و کارکنان اداری مصروف اجرای وظایف می‌باشند.

ب: محاکم استیناف:

در مرکز هر ولایت یک ریاست محکمه استیناف وجود دارد که دارای دیوانهای ذیل است:

دیوان جزای عمومی. دیوان امنیت عامه دیوان مدنی و احوال شخصیه. دیوان حقوق عامه. دیوان تجارتی.

ج: محاکم ابتدائیه:

شامل محاکم ابتدائیه شهری در مراکز ولایات و محاکم ولسوالی در مرکز هر ولسوالی.

د: سایر محاکم :

مانند محاکم اطفال ، محاکم فامیلی محاکم ابتدائیه تجارتي و دیوان مواد مخدر.

ه: ادارات وثایق:

این ادارات در مراکز ولایات قرار داشته اسناد مورد ضرورت مردم را توثیق می نمایند و در ولسوالی ها امور وثایق توسط محاکم ولسوالی انجام می شود. دکتر کاموی، پیشین، ص/ ۲۳-۲۴

تشکیلات مرکزی ستره محکمه:

به موجب قانون اساسی ۱۳۸۲ جهت تنظیم امور اداری محاکم و ایجاد اصلاحات در قوه قضائیه آمریت عمومی اداری قوه قضائیه تشکیل گردیده که از طریق ریاست های ذیل امور مربوط را اجرا می نمایند:

۱ -ریاست دفتر مقام :امور دفتر قاضی القضاات ، ملاقات ها، مسائل بین المللی و ارتباط خارجه را تنظیم می کند.

۲ -ریاست تحریرات ستره محکمه : امور عرایض را تنظیم نموده روابط ستره محکمه را با مقام ریاست جمهوری ، شورای ملی و سایر مراجع دولتی و غیردولتی برقرار می سازد.

۳ -ریاست دارالانشاء شورای عالی ستره محکمه: امور اجرائی و سکرتریت شورای عالی ستره محکمه را تنظیم، مصوبات، یادداشت ها، قرارها و فیصله های این شوری را تسوید و نهائی ساخته بعد از تصویب به مراجع مربوط ابلاغ می نماید.

۴ -ریاست عمومی تدقیق و مطالعات : این ریاست استهدآت (طلب هدایت و رهنمای نمودن در یک امری) محاکم، دوسیه های قضاات را مورد غور و مطالعه قرار می دهد و نظریات تدقیقی را در مورد ابراز و جهت غور نهایی به شورای عالی ستره محکمه ارجاع می کند.

علاوآ امور قوانین و لوایح قضائی، امور احصائیه، آموزش قضاات و تدویر سیمینار های قضائی را به منظور تبادل تجارب قضائی تنظیم می کند.

۵ -ریاست تفتیش قضائی : امور محاکم را به طور عادی (نوبتی) در هر سه سال و به طور اختصاصی عندالایجاب مورد تفحص و تفتیش قرار می دهد.

۶ -ریاست وثایق و ثبت اسناد: امور وثایق محاکم را از لحاظ کیفی و کمی مورد غور قرار داده تنظیم می نماید.

۷- ریاست عمومی افتاء: در برابر پرسش‌های که به ارتباط حقوق اسلام صورت می‌گیرد به ابراز نظر و صدور فتوی شرعی می‌پردازد.

۸- ریاست نشرات: امور فرهنگی و نشراتی قوه قضائیه را در زمینه‌های نشر مجله قضا، جریده میزان، کتابخانه قضا، نشر کتب و رساله‌های قضائی، تنظیم نیت ورک و فعالیت ویسایت سترزه محکمه را اجرا می‌نماید.

۹- ریاست دفتر مطبوعاتی: امور مطبوعاتی سترزه محکمه را اعم از پخش اخبار، مصاحبه‌ها، اجلاس‌های مطبوعاتی در ساحه کار محاکم و انعکاس فعالیت‌های قوه قضائیه را از طریق مطبوعات و تلویزیون تنظیم نموده، انتشار می‌دهد.

۱۰- ریاست مالی واداری: امور مالی، اداری و حسابی سترزه محکمه را طبق قوانین، مقررات و لوايح مربوط تنظیم می‌کند.

۱۱- ریاست کنترل و مراقبت، به ارتباط مبارزه با فساد و ارتشاء اجرای وظیفه می‌کند.

۱۲- ریاست تعمیرات: در مورد ساختمان‌های مورد نیاز قوه قضائیه و حفاظت آن موظف است.

۱۳- ریاست امور ذاتیه: امور ذاتی منسوبین قوه قضائیه را اعم از تقرر، تبدل، ترفیع و تقاعد اجرا می‌نماید.^{۲۵}

تصویب طرز العمل‌ها

همان‌طور که سایر ادارات می‌توانند طرز العمل داشته باشند نهاد سترزه محکمه که عالی‌ترین رکن قضایی دولت افغانستان است نیز دارای طرز العمل بوده و می‌تواند در ادارات قوه قضائیه آن‌ها وضع و تصویب نماید و به مرحله اجرا بگذارد چنانچه در بیانیه سرپرست سترزه محکمه جناب عبدالسلام عظیمی قاضی القضاات که در اجلاس ملی قضایی در سال ۱۳۹۰ بر گزار شده بود چنین آمده است:

سترزه محکمه ج.ا.ا. با وجود محدودیت‌ها و چالش‌های مختلف کاری که در برابر آن قرار داشت طی سال‌های گذشته توانست نوآوری‌های جدید و قابل توجهی را وارد نظام قضایی کشور نماید، و احکام قانون اساسی را در مورد ایجاد و استقرار قوه قضائیه مستقل به مقصد تأمین عدالت و حاکمیت قانون تحقق بخشد،

^{۲۵} همان منبع، صص/ ۲۴-۲۶

طرح برنامه اصلاحات قضایی که تمامی جنبه‌های کاری چون فعالیت قضایی، جابجاسازی کادرها، بهبود و حل مشکلات مادی و فیزیکی و درمجموع نظام سازی را احتوا می‌نماید از اهم این اقدامات به حساب می‌آید که مهم‌ترین آن درزمینهٔ اصلاحات قضایی عبارت‌اند از:

الف: اصلاحات قضایی

تنظیم زون‌های قضائی هشتگانه که هر زون آن تحت رهبری یک عضو ستره محکمه فعالیت می‌نماید.

تنظیم رفورم در سیستم اداری محاکم که طرزالعمل آن تصویب گردیده و تطبیق آن جریان دارد.

تدویر سیمینار عالی رؤسای محاکم به منظور حل پرابلم های قضایی و توضیحات قانونی.

تنظیم، تصویب و تطبیق مقررہ سلوک قضای.

تنظیم و تصویب (۱۳) مقررہ، (۹) طرزالعمل، (۲) قاعده توضیحی، (۱۱) رهنمود و (۲) اساسنامه جهت رفع مشکلات و تنظیم امور قوه قضائیه.

رهنمایی محاکم توسط مصوبات و متحدالمالهای شورای عالی ستره محکمه، طبع و توزیع آن به محاکم غرض تطبیق به حیث رویه قضایی...

اجرا آت مقدماتی به منظور تطبیق برنامه رفورم در ساختار محاکم به منظور ایجاد اداره مفید و مؤثر و تطبیق برنامه اصلاحات در خصوص منسوبین غیر قضایی قوه قضائیه.

تنظیم استراتژی معارف قضایی به منظور پخش و نشر مجله قضا، جریده میزان، کتب فقهی و حقوقی و سایر انتشارات، تبلیغ حقوقی از طریق تلویزیون، تربیه کادرهای قضایی جدیدالورود در کورس‌های یک‌ساله و دوساله ستاژ و کارآموزی چنانچه طی شش سال گذشته (۷۵۰) نفر کاندیدان شمول به کادر قضا که فارغان دانشکده حقوق و شرعیات و مدارس دینی بوده‌اند، آموزش دیده‌اند.

تأمین هماهنگی میان ستره محکمه و ارگان‌های عدلی و قضایی از طریق جلسات مشترک و مفاهمه صورت گرفته آن در حل مسائل و پرابلم‌ها، نهایت مفید و مؤثر بوده است. مجله قضا. شماره ۱۲۶۷. انتشارات ستره محکمه، ۷/۲۶. ۱۳۹۰، ص ۵-۶

به منظور ایجاد هماهنگی میان ترجمان‌های عدلی و قضائی در میزان ۱۳۸۶ کمیته هماهنگی ارگان‌های عدلی و قضایی به ابتکار ستره محکمه تشکیل گردید.

این کمیته در آغاز تحت ریاست قاضی القضاات و رئیس سترزه محکمه و سپس تحت ریاست رئیس دیوان جزای عمومی سترزه محکمه قضاوت پوه جناب محترم بهاء صاحب و عضویت رئیس بورد مشورتی امور عدلی و حقوقی ریاست جمهوری، مرستیال لوی سارنوالی، معین مسلکی وزارت عدلیه، رئیس اداره حراست قانون و امور قضایی اداره امور و دارالانشاء شورای وزیران، رئیس محکمه استیناف وزارت دفاع ملی، رؤسای محاکم حوزوی شهر کابل، رئیس محکمه ابتدائیه وزارت داخله، رئیس محکمه ابتدائیه امنیت ملی، مشاور حقوقی ریاست عمومی امنیت ملی، رئیس عمومی مبارزه علیه تروریسم، رئیس حقوق ولایت کابل و رئیس عمومی حقوق وزارت عدلیه تشکیل و فعال گردید که در مدت مورد گزارش طی (۱۶) نشست روی بیش از یکصد و پنجاه موضوع تفاهم به عمل آورده اند که به اساس آن از جانب شورای عالی سترزه محکمه و سایر مقامات ذیصلاح تدابیر لازم اتخاذ و عملی گردیده است.

سترزه محکمه با ارزیابی مثبت از کار کمیته فوق به ریاست های محاکم استیناف ولایت هدایت داد تا کمیسیون های مشابه را از ترکیب مسئولین ترجمان های عدلی و قضائی ولایت مربوط تحت ریاست خویش دایر نمایند و به تأسی از آن از دو سال به این سو جلسات هماهنگی از طریق ریاست های محاکم استیناف به اشتراک ترجمان های ذی ربط در هرماه یکبار دایر گردیده و نتایج آن در جریده میزان ارگان نشراتی سترزه محکمه به طور منظم انتشار یافته است. همان منبع، ص/ ۷

ب: سهولت، ساده سازی در اجرا آت قضایی و طرز العمل سیستم اداری محاکم

تنظیم طرز العمل سیستم اداری محاکم

در نتیجه مطالعه و ارزیابی همه جانبه و بررسی های کار محاکم در اوقات مختلف این نتیجه به دست آمد که سیستم اداری محاکم بر شیوه های کهنه اداری استوار بوده جوابگوی نیازمندی های نوین قوه قضائیه نمی باشد. بنابراین سترزه محکمه به هدف تسهیل تسریع، معیاری نمودن، مؤثریت و شفافیت بیشتر، طرز العمل سیستم اداری محاکم را تدوین و پس از تأیید سیمینار عالی رؤسای محاکم منعقد سال ۱۳۸۶ و تصویب شورای عالی سترزه محکمه به مرحله اجرا قرار داد. بر مبنای این طرز العمل برای بخش های اداری محاکم که با دوسیه ها سروکار دارند، فورم های مناسب به خاطر ثبت اجرا آت دوسیه های حقوقی و جزایی طرح و به اختیار آنان قرار داده شد. در این فورم ها که به شکل مجلد در قالب کتاب های مختلف مورد استفاده محاکم قرار دارد سعی گردیده است تا پیرامون یک دوسیه مشخص معلومات همه جانبه را که شامل تاریخ ورود دوسیه، تاریخ ثبت، تاریخ آجندای جلسه قضایی، اجرا آت به عمل آمده، نمرات مکاتیب

مبنی بر ارسال و مرسول دوسیه و ده‌ها جزئیات دیگر است سبب شده است تا کارمند موظف بدون سرگردانی بتواند دوسیه موردنظر دسترسی یابد و از چگونگی دوسیه و اینکه در کدام مرحله‌ای از اجرا آت قرار دارد معلومات لازم و کافی حاصل نماید. مطابق این سیستم قاضی موظف دوسیه، در قضایای جزایی بعد از اخذ دوسیه در خلال مدت یک هفته و در قضایای مدنی در خلال مدت ده روز از ساعت و تاریخ اولین جلسه قضایی به دفتر تحریرات محکمه یا دیوان مربوط خبر می‌دهد.

تطبیق طرزالعمل سیستم اداری محاکم سبب شده است تا قضایا در موعد معینه قانونی آن موردبررسی و انفصال قرار گیرد. منبع قبلی.

برنامه ساده‌سازی اجرا آت قضایی:

ساده‌سازی اجرا آت قضایی، یکی از پرو گرام‌های مفید و مؤثر را در راستای اصلاحات قضایی تشکیل می‌دهد که ستره محکمه ج.ا.ا. در مطابقت با استراتژی اصلاحی قوه قضائیه، طرح و تدوین آن را روی دست گرفت.

هدف از پرو گرام ساده‌سازی اجرائات قضایی دو مطلب عمده را تشکیل می‌دهد:

امور قضایی به‌نحوی که از طولانیت بکاهد و مردم بتوانند بدون اینکه وقت اضافی را به مصرف برسانند به حقوق شان نائل آیند و محاکم نیز در اجرای امور راهنمایی شوند که امور محوله شانرا در مطابقت با قانون و به داخل معیار قانون و عاری از ابهام اغلاق ایفا نمایند. این بخش شامل تنظیم نمونه‌های دعاوی قرارهای قضایی و فیصله‌های محاکم در مراحل مختلف محاکمات را تشکیل می‌دهد که شکل رهنمودی دارد.

مرحله دوم تنظیم سیستم قضایی را، کوتاه شدن مراحل محاکمه و ایجاد سهولت در رسیدگی قضایا تشکیل می‌دهد که شامل پیشنهاد تعدیل در اسناد تقنینی است. ازجمله موارد قابل توجه ستره محکمه، یکی هم سهولت، ساده‌سازی و مختصر سازی روش‌های اجرائات قضایی در مراحل مختلف محاکمات است. تا جاییکه سوابق نشان می‌دهد این مراحل در گذشته نهایت پیچیده و مشکل بوده و برای هرکس امکان احقاق حقوق موجود نبوده است. زیرا ترتیب دعوی، دفع، دفع‌الدفع، اعتراضات و تصامیم قضایی هم تابع ادبیات خاص، طول، مغلق و پیچیده بوده مراحل و زمان زیادی را در برمی‌گرفت. اینترنت، سایت ستره محکمه، بیانیه رئیس ستره محکمه، افغانستان، ۱۳۹۰

ستره محکمه با توجه به این موضوع و دفع اغلاق و ساده ساختن اجرائات قضایی کمیته‌های مرکب از قضات را که درواقع متخصصین امور قضایی می‌باشند، تشکیل نمود و در امور مذکور اقدامات لازم صورت گرفت.

همچنان شورای عالی ستره محکمه حین غور بر مسائل مربوط، سعی بلیغ نموده است تا در امور مربوط تسهیلات لازم به میان آید در نتیجه اصحاب دعوی در جریان دعوا، و محاکم در جریان رسیدگی بتوانند بدون مشکل به اهداف قانونی شان برسند. با آنکه پروسه ایجاد سهولت برای اصحاب دعوا و ساده و مختصر سازی اجرائات قضایی ادامه دارد، تا اکنون اقدامات ذیل در این زمینه تحقق پذیرفته است:

فورم دورانی اسناد ملکیت زمین و ساختمان‌ها.

اجرای محاکمه محبوسین در محکمه محل حبس.

تسلیم گیری دوسیه‌های جزایی توسط محاکم بدون قید حضور متهم.

رعایت حق اولویت در رسیدگی قضایی که متهمین آن توقیف و یا محبوس‌اند.

قیمت‌گذاری مدعی بها قبل از دوران دعوا از طرف اهل خبره به منظور جلوگیری از بروز منازعات بعدی.

رسیدگی به دعوا جعل هم‌زمان در ضمن رسیدگی اصل دعوا.

تنظیم طرز العمل تثبیت ذوالیدی و تشخیص مدعی از مدعی علیه.

منع استجواب از مدعی علیه قبل از دایر شدن دعوا.

تنظیم امور مخازن وثایق و کمپیوترایز شدن اسناد.

انتقال صلاحیت ترتیب اسناد خرید و فروش عراده جات و وسائل ترانسپورت طبق قانون به ادارات ترافیک.

به منظور انکشاف هرچه بهتر پروسه ساده‌سازی اجرا آت قضایی، شورای عالی ستره محکمه کمیون ساده‌سازی اجرا آت قضایی را تشکیل نمود که فعالیت عملی آن در زمینه‌های جزایی، مدنی، تجارتی و امور وثایق آغاز گردید.

کمیسیون بعد از کسب نظریات محاکم و آمریت‌های وثایق پلان مقدماتی کار کمیسیون به مقام عالی ستره محکمه گزارش یافت و بالاتر توجه خاصی که رهبری ستره محکمه در این زمینه داشت به کمیسیون ساده‌سازی اجرا آت قضایی رهنمایی نمود تا سیت‌های فیصله‌های محاکم ثلاثه طور نمونوی ترتیب گردد تا از یکسو امور سهل و ساده گردیده و از جانب دیگر هم برای منسوبین و هم برای مراجعین سهولت‌های لازم را ایجاد نماید. اینترنت، سایت ستره محکمه، جلسه گزارش دهی، رئیس ستره محکمه.

کمیسیون مسائل فوق را به‌طور دقیق و همه‌جانبه مورد غور قرار داده و در نتیجه مرحله اول پروگرام ساده‌سازی را در دو بخش ذیل تنظیم نمود:

بخش اول: شامل طرزالعمل‌ها در امور وثایق و فیصله‌ها با رعایت سهولت و ساده‌سازی.

بخش دوم: ترتیب سیت‌های فیصله‌ها.

الف: به‌منظور ایجاد سهولت و ساده‌سازی در امور توثیق و ثبت وثایق و فیصله‌ها، طرزالعمل‌های ذیل طرح و تدوین شده است که بعد از طی مراحل تدقیقی از جانب شورای عالی تصویب و به محاکم تعمیم گردیده است.

قواعد رهنمودی در اجرای امور وثایق.

طرزالعمل توثیق عقد ازدواج.

طرزالعمل ثبت وثایق نکاح نامه.

طرزالعمل توحید رویه در محصولات محاکم.

طرزالعمل فورم دورانی اسناد ملکیت.

قواعد رهنمودی و طرزالعمل‌های فوق طوری تنظیم شده است که وثایق مطابق به اسناد تقنینی نافذ، به زمان کم ولی با حصول اطمینان از صحت ترتیب آن انجام شود. همچنان وظائف منسوبین محاکم و ادارات وثایق مشخص شده و محکمه یا اداره وثایق وظایفشان را در قبال وثیقه، مرحله به مرحله اجرا می‌کنند. یعنی از یکسو ایشان به اجرای سالم و نحوه اجرا آن رهنمایی شده‌اند و از سوی دیگر برای مراجعین سهولت‌های لازم پیش‌بینی شده است.

رهنمودهای ساده‌سازی اجرا آت قضایی در عرصه‌های جزایی، مدنی و تجاری طوری تنظیم شده است تا محاکم بتوانند فیصله‌ها و قرارهای قضایی را با رعایت آن در مدت کوتاه و عاری از اغلاق ترتیب و اجرا نمایند. متحد المال‌های ستره محکمه، مصوب ۱۲۶۷، سال ۱۳۹۰، بیانیه اساسی اجلاس ملی قضائی که توسط فضیلت‌مآب محترم پوهاند عبدالسلام عظیمی قاضی‌القضات و سرپرست ستره محکمه، ارائه شد. صص/ ۱۵

در این رهنمودها سیت‌های نمونه وی فیصله‌ها قرار ذیل مدنظر گرفته شده است:

سیت فیصله‌های جزایی.

سیت فیصله‌های مدنی و حقوق عامه.

سیت فیصله‌های فامیلی و احوال شخصیه.

سیت فیصله‌های تجارتی.

در تنظیم چهار سیت فیصله‌های فوق مراتب ذیل رعایت گردیده است:

از الفاظ زائد و غیرضروری اجتناب به عمل آمده.

جریان محاکمات و مرافعات در تطابق با قوانین مربوط صورت گرفته.

عناصری که یک فیصله باید داشته باشد رعایت شده.

سهولت ساده‌سازی در تمام مراحل مدنظر گرفته شده.

و بالاخره منسوبین محاکم به طرز فیصله نویسی رهنمایی گردیده‌اند.

سیت فیصله‌ها بدو دسته ترتیب یافته‌اند:

دسته اول: به شکل تائیدی یعنی حالتی را در برمی‌گیرد که گویا فیصله ابتدائی توسط احکام محاکم فوقانی تائید شده است.

دسته دوم: به اساس نقض: یعنی حالتی را احتوا می‌نماید که فیصله ابتدائی یا استیناف در یکی از مراحل تقاضی طبق قانون نقض گردیده و مواجه به رسیدگی مجدد شده است.

قابل یادآوری است که این فیصله‌ها کاملاً نمونه بوده و محاکم می‌توانند با استفاده از اسلوب مندرج آن فیصله‌هایشان را تنظیم نمایند.

قرار است سیت های نمونوی که نتیجه کار کمیسیون ساده‌سازی اجرا آت قضایی ستره محکمه می‌باشد، جهت ملاحظه، غور و بحث به اعضای سیمینار محول گردد. توقع می‌رود با مطالعه دقیق طرح‌های یادشده، پس از غور، ارزیابی، تبادل تجارب و تبادل نظر، در مورد آنها تصامیم لازم و قانونی را اتخاذ نموده رسالتی را که در ارتباط تنظیم قواعد مورد بحث، غنامندی رهنمودهای مطروحه و تثبیت فورم های فیصله و قرار از لحاظ شکل و متن به عهده دارند، به نحو مطلوب ایفاء نمایند. (همان منبع، ص ۱۶)

نتیجه گیری

با ظهور دین مبین اسلام و نزول کلام حق حضرت پیامبر وظیفه قضا را که از اهمیت به سزایی برخوردار است عهده‌دار شد و در مورد مخاصمات بین مردم به حل تنازع می‌پرداخت و علاوه بر آن قوه اجرائیه نیز بر عهده خود شخص پیامبر بود که در این کارها پیامبر را افرادی همکاری می‌نمودند از جمله امام علی^ع که در قضاوت در زمان خویش نظیر نداشت چون تعلیم یافته و دست‌پرورده خود پیامبر^ص بود. بعد از پیامبر در دوران خلفای راشدین خلیفه دوم ابتکار تفکیک قوا را نمود و گفت باید قوه قضائیه از سایر قوا جدا و مجزا باشد تا به استقلال بتواند عمل کند.

در افغانستان اصل استقلال قضا و تأسیس نهاد ستره محکمه در کنار دو قوه دیگر در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ در عهد سلطنت محمد ظاهر شاه به وجود آمد که ماده ۹۷ آن گویای این قوه بوده و آن‌ها تعریف نموده است.

در مورد صلاحیت ستره محکمه باید گفت: چون صلاحیت جنبه خاص از حاکمیت است و حاکمیت عبارت است از توانایی عمومی حقوق دولت، صلاحیت به قدرت دولت بر اشخاص که دارای دو جنبه است قانون‌گذار، جنبه دوم اجرایی، توقیف و رسیدگی به دعاوی که خود این صلاحیت با این تعریف انواعی را پیدا می‌کند از قبیل صلاحیت حوزوی، موضوعی، شخصی، جهانی و غیره... که هر کدام در بخش خود دارای اقتدار است و افرادی که شایستگی آن‌ها داشته باشد به اجرا می‌گذارد.

ستره محکمه همانند سایر ادارات دارای طرزالعمل‌های است که خود آن‌ها وضع و تصویب می‌نماید و به خاطر اصلاحات قضایی یکسری طرزالعمل‌های را به وجود می‌آورد مثلاً در تنظیم رفرم در سیستم اداری محاکم، قاعده‌های توضیحی، رهنمودها، طرزالعمل، توثیق عقد ازدواج، طرزالعمل ثبت وثایق نکاح نامه، طرزالعمل توحید رویه آراء محام

فهرست منابع

الف: کتب

قرآن کریم

ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، کتاب اول، باب سوم، فصل ۳۱

ابن منظور، لسان العرب، دار الصادر للطباعة و النشر لبنان، سال ۱۸۶۳، ج ۵

ابن هشام، سیره رسول الله، ترجمه قاضی ابرقو، نصف دوم، ابن سعد، الطبقات الکبیر، تصحیح احسان عباس، ابنان، ج ۲

احمد ابن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران، چاپ دوم، ج ۱

اصفهانى، راغب، المفردات فى غریب القرآن.

انیس، ابراهیم، منتصر، عبدالحلیم، الصوالحی، عطیه...، محمد خلف، مترجم؛ بندریکی، محمد، فرهنگ معجم الوسیط، انتشارات اسلامی، نوبت چاپ، چهارم، چاپ خانه قدس.

حسن ابراهیم، حسن و علی ابراهیم، حسن، النظم الاسلامیه، ص ۲۷۴

دانش. سرور. حقوق اساسی. ناشر. انتشارات موسیسه تحصیلات عالی ابن سینا. چاپ اول سال ۱۳۸۹ و دوم ۱۳۹۱

ساکت، محمد حسین، نهاد دادرسی در اسلام، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

سیاح، ع؛ فرهنگ جامع فارس به فارسی؛ انتشارات، اسلام، تهران، چاپ، سوم (۱۳۸۷).

صدر افشاری، غلام حسین، حکمی، نسرین، حکمی، نستر، فرهنگ معاصر فارسی، تهران، ۱۳۸۱.

علامه. غلام حیدر. اصول محاکمات جزایی افغانستان. ناشر انتشارات دانشگاه ابن سینا. چاپ دوم سال ۱۳۹۶.

عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی حسن عمید؛ انتشارات، امیرکبیر، تهران، چاپ، اول (۱۳۴۲).

قیم، عبدالنبی؛ فرهنگ معاصر عربی به فارسی؛ انتشارات، موسسه فرهنگ معاصر، تهران، چاپ، ششم (۱۳۸۶).

کاموی، عبدالملک و ژویل، محمد عثمان، فعالیتها و دست آوردهای ستره محکمه ج.ا.ا، ناشر، ستره محکمه، سال ۱۳۸۹.

لغت نامه دهخدا کتاب الکترونیکی.

محمدی. عبدالعلی. حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان. ناشر دانشگاه خاتم النبیین (ص). سال ۱۳۹۵.

میرزایی، علی محمد، اصول محاکمات مدنی، انتشارات، دانشگاه ابن سینا، چاپ اول ۱۳۹۳.

میرزایی، نجف علی، فرهنگ اصطلاحات معاصر (عربی به فارسی)، دار الثقلین قم، ۱۳۸۱.

ب: قوانین

قانون اجرائات جزایی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب سال ۱۳۹۳.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب سال ۱۳۸۲.

قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب سال ۱۳۹۱.

قانون جزا جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب سال ۱۳۵۵.

ج: مقالات

امیری، عزیز الله، تاریخ تحولات حقوق کیفری افغانستان از زمان عبدالرحمن تا جمهوری دموکراتیک خلق، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی - واحد کابل، اسد ۱۳۹۴.

پور بافرانی، حسن، تحول اصل صلاحیت واقعی در لایحه جدید مجازات اسلامی با نگاه تطبیقی، فصل نامه علمی - پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۱۷، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۱.

مقتدر، هوشنگ، صلاحیت دولت ها و انواع آن، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

هرمزی، خیرالله، مقاله توسعه صلاحیت یا صلاحیت تبعی. ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، سال نشر ۱۳۹۳.

د: اینترنت

سایت ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان، مجله قضا. شماره ۱۲۶۷. انتشارات ستره محکمه، ۷/۲۶. ۱۳۹۰.

متحد المال های ستره محکمه، مصوب ۱۲۶۷، سال ۱۳۹۰، بیانیه اساسی اجلاس ملی قضائی که توسط فضیلت مآب محترم پوهاند عبدالسلام عظیمی قاضی القضاات و سرپرست ستره محکمه، ارائه شد.